مبانی دینی همدلی دولت و ملت

سید مصطفی بهشتی

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود سال جدید را با عنوان «دولت و ملت، همدلی و همزبانی» نامگذاری کردند و به تعبیر خودشان از هر دو کفّه این شعار، یعنی ملّت عزیز و همچنین دولت خدمتگزار خواستند تا به معنای حقیقی کلمه به آن عمل کنند و آثار و نتایج آن را ببینند.

مسلما شعاری که از زبان یک رهبر دینی بیان می شود، دارای ریشه های عمیق دینی و معرفتی است که با تدبیر و درایت او نسبت به شرایط گوناگون زمانی و منطقه ای ارائه شده است.بنابراین باید به این نکته اساسی توجه داشت که اندیشه دین مدار و فقیهانه او از یک سو و ذهن آینده نگر و تیز بین ویاز سوی دیگر، مهمترین نیاز جامعه اسلامی را در این شعار متبلور کردهاست.

بی شک هیچ کس همچون روحانیان و مبلغان دینی نمی تواند به تفسیر و تبیین این شعار بپردازد و ریشه های دینی آن را برای مردم مورد واکاوی قرار دهد. ریشه هایی که در قرآن عزیز و سخنان ارزشمند اهل بیت علیهم السلام، نهفته است و جامعه اسلامی بنابر دید وسیع رهبری معظم، بیش از هر زمانی نیازمند تبلیغ و ترویج آن است.

در این میان ائمه جماعت و روحانیت مستقر در مساجد، وظیفه بیشتری را بر دوش خواهند داشت. چراکه آنها در خط مقدم ارتباط با مردم قرار دارند و تاثیر کلام آنها در لایه های گوناگون جامعه انکار ناپذیر است.

**اصل وحدت، زیر ساخت اساسی همدلی و همزبانی**

یکی از اساسی ترین آموزه های دینی ما وحدت کلمه و اتحاد میان اقشار مختلف جامعه اسلامی است. قرآن، اتحاد میان مسلمانان را یکی از نعمت های الهی می داند و پاسداری از آن را وظیفه ای بر دوش یکیایک اقشار جامعه بر می شمرد.خداوند در آیه ١٠٣ سوره آل عمران می فرماید:

«وَ اعْتَصِمُواْ بحَِبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا وَ لَا تَفَرَّقُواْ وَ اذْکُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَینْ‏َ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ کُنتُمْ عَلىَ‏ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَکُم مِّنهَْا کَذَالِکَ یُبَینِ‏ُّ اللَّهُ لَکُمْ ءَایَاتِهِ لَعَلَّکمُ‏ْ تهَْتَدُونَ.»

«و همگى به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید و بر لب پرتگاهى از آتش بودید. پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را براى شما بیان مى‏کند، شاید هدایت شوید.»

**محوریت دین در وحدت و همدلی**

بنابر آیه مذکور، وحدت و دوری از تفرقه یک وظیفه الهی است و باید به آن به دید یک فریضه دینی نگاه کرد. فریضه ای که یکایک افراد جامعه باید به آن عمل کنند تا به همدلی درونی میان اقشار گوناگون مردم و در نهایت وحدت و همزبانی میان دولت و ملت بیانجامد.

روشن است که نگاه دینی به این مساله سبب می شود تا انگیزه ای مضاعف برای پایبندی به این مساله ایجاد شود و یکپارچگی مردم رنگی الهی به خود بگیرد.

رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند:

«سلام از همه ما انسجام را، هم‌افزایی را، به یکدیگر کمک کردن را میخواهد. ... همه با برادری اسلامی به مسئله‌ی ارتباطِ میان دولت و ملّت نگاه کنند و با آن شیوه ‌رفتار بکنند.» (سخنرانی حرم رضوی، ١/١/٩٤)

**وحدت دینی و پرهیز از وحدت حزبی و قبیله گرایی**

همبستگی و وحدتی که در قرآن به آن فرمان داده شده در سایه توجه به پروردگار و با محوریت ریسمان الهی (و اعتصموا بحبل الله) است. بنابراین نکته مهمی که باید به آن توجه ویژه داشت این است که محور وحدت، باید دین خدا باشد. بنابراین یکپارچگی بر گرفته از نژاد،زبان، حزب سیاسی، تشکیلات و دیگر گرایشات و علاقه مندی ها نمی تواند کارگشا باشد.

یکی از آسیب های سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی این است که مردم تنها از دولتی حمایت کنند که به آن گرایش دارند و به او رای داده اند. این نحوه نگرش، مردم را به گروه های مختلف تقسیم کرده و گاه به دشمنی و عداوت می کشاند. چراکه در چنین شرایطی از یک سو دو قطبی حامیان و مخالفان دولت، انسجام و یکپارچگی ملت را تحت الشعاع قرار می دهد و مردم را به نزاع و درگیری می کشاند. و از سوی دیگر نیز تمام توان دولت، برای راضی نگاه داشتن موافقان و چگونگی مواجهه با مخالفان صرف خواهد شد.

به همین جهت رهبر معظم انقلاب می فرماید:

دولتها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتّی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرفِ حقیقی و لبّ معنای انسجام اجتماعی و ملّی در کشور اسلامی ما است. همه باید به‌عنوان یک واحد، با دولتی که مسئول کار و بر سر کار است، اتحاد کلمه نشان بدهند و به آن کمک کنند؛ مخصوصاً در آن مواردی که کشور با مسائل مهم و چالشهای مهمّی روبه‌رو است که در این زمینه عرایضی خواهم کرد.

بنابراین اگر مردم و مسئولین دولتی، خود را تنها در سایه «حبل الله» ببینند و از حب و بغض های سیاسی و اجتماعی فارق شوند، به انسجام و یکپارچگی دست خواهند یافت. پس ملاک حمایت از دولت تنها باید خدمتگزاری به نظام اسلامی باشد. رهبر انقلاب در این باره می فرماید:

هر دولتی که در چهارچوب قانون اساسی بر سر کار بیاید، دولت قانونی است، دولت مشروع است. مهم نیست که چقدر و چه نسبتی از آحاد رأی‌دهندگان به این رئیس‌جمهور یا آن رئیس‌جمهور رأی دادند؛ تعداد کاهش و افزایش آراء به محبوبیّت ارتباط پیدا میکند، امّا به مشروعیّت و قانونیّت ارتباطی ندارد. هر کسی با هر تعداد رأیی که از طرف اکثریّت مردم بر طبق چهارچوب قانون اساسی انتخاب شد؛ این مشروع است، دولت قانونی است و باید مردم او را قانونی بدانند و تا آنجایی که میتوانند به او کمک کنند؛ [البتّه] حقوق دوجانبه‌ای برقرار است.

**پرتگاه تفرقه**

تلاش نکردن برای دستیابی به اتحاد و همدلی میان دولت و ملت، تفرقه و دشمنی را به همراه خواهد داشت. تفرقه ای که از یک سو میان اقشار مردم ظهور و بروز خواهد داشت و از سوی دیگر پیوند مردم با نظام اسلامی را به مخاطره خواهد انداخت.قرآن، تفرقه را آتشی مهلک و پرتگاهی پرخطر می داند:

وَ کُنتُمْ عَلىَ‏ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَکُم مِّنهَْا

و بر لب پرتگاهى از آتش بودید. پس خداوند شما را از آن نجات داد.

تعبیر «نار» در آیه می تواند گویای دو نکته باشد: اول اینکه تفرقه افکنی و عدم رعایت اتحاد و همدلی، گناهی نابخشودنی است که آتش دوزخ را در پی خواهد داشت.

دوم اینکه تاثیر مخرب تفرقه آنچنان زیاد است که تباهی معنوی جامعه را در پی خواهد داشت و نهایتی جز دوزخ برای چنین جامعه ای قابل تصور نیست.

نکته دیگر آنکه اگرچه از دست دادن انسجام اجتماعی و ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان، آتش دوزخ را به همراه خواهد داشت اما برخی از مفسران، «حفره من النار» را کنایه از جنگها و نزاعهایى می دانند که هر لحظه ممکن است دامن گیر جامعه شود و فرد و جامعه را در آتشی نکبت بار بسوزاند. (تفسیر نمونه، ذیل آیه)

گویا که قرآن می خواهد یک واقعیت اجتماعی را برای مردم بازگو کند و آنها را از این خطر بزرگ بر حذر دارد. آری، واقعیت آن است که هیچ جامعه ای در سایه تفرقه رشد نمی کند و بدون اتحاد قله های پیشرفت را نخواهد پیمود.

**خطر تفرقه میان دولت و ملت**

قرآن در مورد نتایج شوم تفرقه در آیه ٤٦ سوره انفال می فرماید:

وَ أَطِیعُواْ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَ تَذْهَبَ رِیحُکمُ‏ْ وَ اصْبرُِواْ  إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابرِِینَ.

و از خداوند و فرستاده‏اش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست مى‏شوید و قدرت و شوکت شما از بین مى‏رود و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است.

روشن است که تفرقه میان دولت و ملت نیز ثمره ای جز سست شدن اقتدار کشور نخواهد داشت. اقتداری که در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... متبلور می شود و پرچم یک ملت را برافراشته نگاه می دارد.

امیر مومنان علی علیه السلام نیز در مورد نتایج شوم تفرقه میانملت و دولت اسلامی چنین بیان می کند:

وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِیَّةُ وَالِیَهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِی بِرَعِیَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِکَ‏الْکَلِمَةُ وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَ کَثُرَ الْإِدْغَالُ فِی الدِّینِ وَ تُرِکَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ فَعُمِلَ بِالْهَوَى وَ عُطِّلَتِ الْأَحْکَامُ وَ کَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ.

فَلَا یُسْتَوْحَشُ لِعَظِیمِ حَقٍّ عُطِّلَ وَ لَا لِعَظِیمِ بَاطِلٍ فُعِلَ فَهُنَالِکَ تَذِلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَ تَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ.

امّا اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر رعیّت ستم کند، وحدت کلمه از بین مى‏رود و نشانه‏هاى ستم آشکار می گردد و نیرنگ بازى در دین زیاد می شود و راه های روشن سنّت پیامبر ص رها می گردد و هوا پرستى فراوان می شود و احکام دین رو به تعطیل می رود و بیمارى‏هاى دل فراوان می شود.

مردم از اینکه حقّ بزرگى فراموش مى‏شود یا باطل خطرناکى در جامعه رواج مى‏یابد، احساس نگرانى نمى‏کنند پس در آن زمان نیکوکاران، خوار و بدکاران، قدرتمند مى‏شوند و کیفر الهى بر بندگان، بزرگ و دردناک خواهد بود.

بنابراین برای دستیابی به پیشرفت کشور باید از تفرقه و کدورت پرهیز کرد و انسجام و همدلی را بیش از پیش نهادینه ساخت. رهبر معظم انقلاب نیز در پیام نوروزی دستیابی به آرزوهای شایسته ملی را مشروط به همین نکته دانستند و فرمودند:

«آرزوهای بزرگ ما برای ملّت در این سال، «پیشرفت اقتصادی» است؛ «[اقتدار](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1061)و[عزّت](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1349)منطقه‌ای و بین‌المللی» است؛ «جهشهای علمی» به معنای واقعی است؛ «عدالت قضائی و اقتصادی» است؛ و «ایمان و معنویّت» است که از همه مهم‌تر و پشتوانه‌ی همه‌ی آن سرفصل‌های دیگر است.

به نظر ما همه این خواسته‌ها و آرزوها دست‌یافتنی است؛ ... این ظرفیّت عظیم و مهم دست‌یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم‌ترین شروط آن عبارت است از همکاری‌های صمیمانه میان ملّت و دولت.»

**همدلی و همزبانی، یک رابطه دو طرفه میان دولت و ملت**

اتحاد، یک مساله اجتماعی است که باید به وسیله همه اقشار جامعه سامان پذیرد. روشن است که اگر یکی از اطراف مساله، از پذیرش مسئولیت خود، شانه خالی کند، اتحاد و همدلی میان دولت و ملت شکل نخواهد گرفت. بنابراین هر دو طرف این ماجرا، باید به وظایف مهم خود تن دهند و هر دو به همدلی و همزبانی بیاندیشند.

امیر مومنان علی علیه السلام رابطه حاکمیت و مردم را یک رابطه دوسویه معرفی کرده، چنین می فرماید:

«وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْکَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِی عَلَى الرَّعِیَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِیَّةِ عَلَى الْوَالِی فَرِیضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِکُلٍّ عَلَى کُلٍّ فَجَعَلَهَا نِظَاماً لِأُلْفَتِهِمْ وَ عِزّاً لِدِینِهِمْ.»(نهج البلاغه، خطبه ٢١٦)

«و بزرگترین چیزى که خداوند از میان این حقوق واجب فرمود، حقّ حاکم بر رعیت و حقّ رعیت بر حاکم است. این فریضه‏اى است که خداوند براى هر یک نسبت به دیگرى واجب نموده و این حقوق را موجب برقرارى الفت و ارجمندى دینشان قرار داد.»

بنابراین دولت و ملت به یک اندازه در برابر یکدیگر مسئولند و باید به این وظیفه به عنوان یک واجب الهی نگاه کنند.

رهبر معظم انقلاب نیز در پیام نوروزی فرمودند:

اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه‌ی آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست‌یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملّت است؛ و ملّت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملّت و دولت صمیمیّت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملّت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمّیّت و[توانایی‌های ملّت](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3634)را بدرستی بپذیرد، هم ملّت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه[اعتماد](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1072) کند.

**همدلی دولت و ملت در سایه رعایت حقوق یکدیگر**

همدلی میان دولت و ملت تنها یک شعار نیست که تنها با یک لبخند رضایت از سوی مردم و یا یک سخنرانی محترمانه از سوی دولت به سرانجام برسد. بلکه یک راهکار عملیاتی برای انسجام بیشتر میان دولت و ملت است.

به بیان دیگر همدلی و انسجام تنها در سایه رعایت حقوق یکدیگر و انجام وظایف هر دو طرف شکل می گیرد. امیر مومنان علی علیه السلام می فرماید:

فَإِذَا أَدَّتْ الرَّعِیَّةُ إِلَى الْوَالِی حَقَّهُ وَ أَدَّى الْوَالِی إِلَیْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَیْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّینِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِکَ الزَّمَانُ وَ طُمِعَ فِی بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ یَئِسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ.

پس زمانى که رعیت حقّ والى را ادا کرد، و والى هم حقّ رعیت را رعایت نمود، حق میان ایشان ارجمند گردد، و راههاى دین بر پا شود، و نشانه‏هاى عدالت اعتدال گیرد، و سنّت‏ها در مجراى خود روان شود، و زمان آراسته و شایسته گردد، و به دوام دولت امید رود، و مطامع دشمنان به یأس مبدّل گردد.

**خیرخواهی و همکاری متقابل**

یکی از اساسی ترین وظایف متقابل دولت و ملت، خیرخواهی نسبت به یکدیگر است. دولت تمام همتش را برای رشد و تعالی ملت متمرکز می کند و ملت نیز خیرخواهانه به بیان نقاط قوت و ضعف دولت خواهد پرداخت. بنابراین در نظام اسلامی انتقاد از دولت به معنای مچ گیری، تخریب، دشمنی و یا انتقام نیست. بلکه مردم با انتقادی سازنده به رشد دستگاه حاکم کمک می کنند و نقاط ضعف آن را پوشش می دهند.

لازمه خیر خواهی دو طرفه، همکاری دو جانبه است. چراکه هیچ خیر خواهی از پشتیبانی و یاری دیگران دریغ نمی کند. امیر مومنان علی ع در ادامه مطالبی که پیرامون حقوق دولت و ملت بیان داشته، می فرماید:

فَعَلَیْکُمْ بِالتَّنَاصُحِ فِی ذَلِکَ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَیْهِ ... وَ لَکِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِیحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَیْنَهُمْ.

پس بر شمااست که خیر خواه و نصیحت کننده یکدیگر باشید و همدیگر را بر این کار خوب یاری کنید. ... اما یکى از واجبات الهى بر بندگان این است که به اندازه توان خود به خیرخواهى و نصیحت یکدیگر برخیزند و در کمک به هم براى اقامه حق در بین خود اقدام کنند.

رهبر معظم انقلاب نیز می فرمایند:

من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمیکنم، به نظارت نکردن دعوت نمیکنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت میکنم؛ امّا اصرار میکنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد.

... تذکّر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روشهای خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به مسئله‌ی ارتباطِ میان دولت و ملّت نگاه کنند و با آن شیوه ‌رفتار بکنند.

البتّه این طرفینی است. من، هم به مردم این توصیه را عرض میکنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت، هم به مسئولان کشور در سه قوّه این را تأکید میکنم که آنها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که ازآنها انتقاد میکنند رفتارمناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است.